

طرح ایده مناطق صلح برای مقاصد صلح جویانه

علیرضا آرش‌پور^۱

چکیده:

متعاقب شکل‌گیری و تایید اصل حفظ پاره‌ای از مناطق برای مقاصد منحصرأ صلح‌آمیز در حقوق بین‌الملل اندیشه‌های جدیدی برای ایجاد این مناطق به‌عنوان مناطق صلح و امنیت دریایی مطرح شد. هدف از طرح این پیشنهادها تمایل به حفظ و تضمین غیر نظامی ماندن دریاها و از سوی دیگر تلاش برای حفظ منابع معدنی موجود در بستر دریاها بود. این طرح در ابتدا توسط آقای ارواید پار دو سفیر کشور مالت مطرح و طی آن خواسته بود که در قالب نشست بیست و دوم مجمع عمومی اعلامیه و پیمانی در مورد حفظ بستر دریاها و کف اقیانوس‌ها که ماوراء محدوده صلاحیت ملی بود تهیه شده و مناطق مذکور به‌طور انحصاری در جهت بهره‌برداری و استفاده صلح‌آمیز اختصاص داده شود لذا در این مقاله سعی بر آن است که ضمن بررسی این طرح مندرجات کنوانسیون حقوق دریاها و به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۸۲ در مورد اختصاص ایده مناطق صلح دریایی مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژگان کلیدی:

مقاصد صلح‌آمیز، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، مناطق صلح دریایی، ارواید پار دو

مقدمه:

همزمان با تأیید و شکل‌گیری اصل حفظ پاره‌ای از مناطق برای مقاصد منحصراً صلح‌آمیز در حقوق بین‌الملل کوشش‌هایی نیز به منظور اعلام پاره‌ای از مناطق به‌عنوان مناطق صلح (به‌ویژه مناطق صلح دریایی) صورت پذیرفته است، استفاده صلح‌آمیز از فضای اقیانوس‌ها و ایجاد مناطق صلح و امنیت مواردی است که توسط کمیته بستر دریاها در ۱۸ آگوست ۱۹۷۲ پیش‌بینی گردید و بررسی و تصویب آن به عهده کنوانسیون سوم حقوق دریاها واگذاشته شد.

در این راستا کلیه اعضای کنفرانس با اختصاص سه نشست جداگانه برای بررسی این مورد تشکیل جلسه دادند که در این نشست‌ها چندین هیئت‌نماینده از مفهوم مناطق صلح و امنیت حمایت نمودند، لیکن تنها هیئت‌های نمایندگی کشورهای اکوادور، عراق، فیلیپین و سومالی پیشنهاد دادند که تاسیس چنین مناطقی باید در کنوانسیون سوم دریاها مورد بحث و بررسی قرارگیرد. پیشنهادات و مباحثاتی که در جهت ایجاد و تاسیس مناطق صلح صورت گرفت صرفاً در چهارچوب ملل متحد محدود و منحصر نگردیده و دیگر تشکل‌های بین‌المللی نیز در این راه پیش‌قدم بوده و تلاش‌هایی را انجام داده‌اند از جمله این تلاش‌ها اقدامات صورت پذیرفته از ناحیه کشورهای غیر متعهد^۱ و تلاش‌های کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSCE) قابل ذکر است. نتیجه این تلاش‌ها و مباحثات نهایتاً منجر به پاره‌ای از ملاحظاتی گردید که به پیشنهادات راجع به اختصاص پاره‌ای از مناطق دریایی برای اهداف و اغراض صلح‌آمیز جامه عمل پوشانید و آرزوی دیرینه اکثریت قابل توجه‌ای از کشورهای جهان را در توقف و محدودیت مسابقه بی‌حد و حصر نظامی‌گری در دریاها و فضای اقیانوس‌ها تا حدودی بر آورده ساخته و ترس و دلهره ناشی از خطر مواجه شدن قدرت‌های دریایی که قدرت‌شان تقریباً به تمامی دریاها گسترش یافته بود را تقلیل دهد.

با عنایت به مطالب فوق هدف این نوشتار پرداختن به چگونگی طرح ایده مناطق صلح برای مقاصد صلح‌جویانه و اقداماتی است که در جهت تحقق این ایده در مجامع مختلف بین‌المللی صورت پذیرفته است.

طرح ایده مناطق صلح برای مقاصد صلح جویانه (ابتکار آرواید پارود)

مبنا و ریشه اصل

مفهوم ایجاد مناطقی در جهت استفاده انحصاری برای مقاصد صلح آمیز از دیدگاه کنوانسیون حقوق دریاها تنها در کنوانسیون ۱۹۸۲ مورد توجه واقع گردیده است.^۱ این در حالیست که این واژه و اصطلاح برای اولین بار و به نحوی صریح در معاهده آنتارکتیکا^۲ (یک دسامبر ۱۹۵۹) مورد استفاده قرار گرفت (ماده یک پاراگراف دو)^۳ متعاقب آن و با توجه به عنایت بیشتری که از ناحیه کشورهای مختلف درخصوص ایجاد چنین مناطقی مبذول گردید، این اصطلاح در معاهده مربوط به اصول حاکم بر فعالیت کشورها در کشف و استفاده از فضای ماورای جو مشتمل بر ماه و دیگر سیاره‌ها در ژانویه ۱۹۶۷ نیز مورد استفاده واقع گردید (ماده ۴ پاراگراف ۱).^۴

اصولاً هدف دو معاهده مذکور ایجاد همکاری بین‌المللی در زمینه فعالیت‌های مربوط به اکتشافات علمی از مناطق جدید و همزمان با آن تکوین انتشار اصل استفاده انحصاری از دریاها به منظور مقاصد صلح آمیز و نیز غیرنظامی کردن این مناطق می‌باشند.^۵

مع الوصف هرچند غیرنظامی کردن به معنای ممنوعیت احداث هرگونه تأسیسات نظامی و فعالیت‌های نظامی است و به‌عنوان یک شرط اساسی برای نگهداری یک منطقه جهت مقاصد صلح جویانه است، تنها منطقه‌ای که در آن چنین مفهومی محقق گردیده و به‌طور کامل به صورت غیرنظامی درآمده است منطقه آنتارکتیکا می‌باشد. (جدای از این منطقه معاهده ۱۹۶۷ درخصوص اصول حاکم بر فعالیت کشورها در کشف و استفاده از فضای ماوراء جو مشتمل بر ماده و دیگر سیاره‌ها) تنها تا حدودی غیرنظامی شدن این مناطق را مدنظر قرار داده است. این معاهده در ماده چهارم خود قراردادن هرگونه وسیله حمل سلاح‌های هسته‌ای و هر نوع سلاح انهدام دسته جمعی را در مدار زمین ممنوع کرده است بنابراین معاهده، استقرار سلاح‌های یاد شده و ایجاد پایگاه‌های نظامی و استحکامات و تأسیسات نظامی عادی در اجرام سماوی ممنوع اعلام شده است.^۶ اما فعالیت‌های مذکور به همین جا خاتمه پیدا نکرد و تأکید بیشتری در خصوص استفاده از دریا برای مقاصد صلح آمیز از ناحیه کشورهای مختلف صورت پذیرفت، تا

۱- ماده ۸۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

2 - Antarctica

3 - United Nations Treaty Series Vol. 402k, p.71

4 - United Nations Treaty Series Vol. 61, p.205

5 - Budislav- Vukas. Peaceful Uses Of The sea, Denuclearization And Disarmament In

Hanbook On The New Law Of The Sea Dupuy- Vigne 1991. Vol 1, p.1235

۶- کلود آلبر کییار. نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق: دکتر هدایت الله فلسفی، نشر نو، تهران ۱۳۶۸، ص ۳۰۱

اینکه ایده حفظ منطقه‌ای برای مقاصد صلح جویانه و مسالمت‌آمیز به ابتکار آقای اروایدپاردو^۱ سفیر مالت پیشنهاد گردید. شخص مذکور در سال ۱۹۶۷ درخواست نمود که در دستور کار بیست و دومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد این مورد یعنی ایجاد و حفظ منطقه‌ای برای مقاصد صلح جویانه که شایسته بررسی و امان نظر بیشتری توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد است، در دستور کار نشست بیست و دوم گنجانده شود. پیشنهاد آقای ارواید پاردو سفیر مالت به‌طور خلاصه این بود که اعلامیه و یا پیمانی در مورد حفظ بستر دریا و کف اقیانوس‌ها که در ماوراء محدوده صلاحیت ملی بود تهیه شده و مناطق مذکور به‌طور انحصاری جهت بهره‌برداری و استفاده صلح جویانه اختصاص داده شود. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد هدف آقای دکتر ارواید پاردو از طرح این پیشنهاد از طرفی تمایل به حفظ و تضمین غیر نظامی باقی ماندن دریاهای و از سوی دیگر تلاش برای حفظ منابع معدنی موجود در بستر دریاهای بود.^۲

با توجه به اهمیت مسئله پیشنهاد مزبور به کمیته اول مجمع عمومی (که کمیته امور سیاسی است) ارجاع شد به جای اینکه به کمیته ششم (که کمیته امور حقوقی است) فرستاده شود. نخستین نتیجه عملی آن، ارجاع تأسیس کمیته ویژه‌ای از ۴۵ دولت برای پیگیری مسئله بود (که در سال ۱۹۶۸ جای خود را به کمیته‌ای بزرگتر و «دائمی» به نام کمیته استفاده‌های صلح‌آمیز از بستر دریا و کف اقیانوس‌ها در ماورای محدوده صلاحیت ملی دارد)^۳ متعاقب این اقدام و علیرغم اختلافات موجود در سال ۱۹۷۰ اعلامیه‌ای با عنوان «اعلامیه اصول حاکم بر بستر دریاهای و کف اقیانوس و زیر بستر دریا در ماورای محدوده صلاحیت ملی»^۴ با ۱۰۸ رای موافق و بدون مخالف و با ۱۴ رای ممتنع به صورت قطعنامه ۲۷۴۹ مجمع عمومی به تصویب رسید. اعلامیه مربوط به اصول حاکم بر بستر دریاهای و کف اقیانوس‌ها، زیر بستر دریا در ماوراء صلاحیت ملی مهم‌ترین نتیجه‌ای را که در برداشت بیان این اصل بود که: «منطقه بین‌المللی بستر دریاهای باید انحصاراً برای استفاده‌های صلح‌جویانه مفتوح باشد» اصل پنجم^۵ بدون اینکه این اختصاص هیچگونه لطمه و زبانی را نسبت به اقداماتی که از طریق مذاکرات بین‌المللی مورد توافق واقع شده است و یا در آینده مورد توافق واقع خواهد شد داشته باشد، این توافقات ممکن است در زمینه خلع سلاح بوده و حتی دارای قابلیت اعمال در محدوده و مناطق گسترده‌تری را

1 - Arvaid pardo

۲-رابین چرچیل، آلن لو، حقوق بین‌الملل دریاهای، ترجمه دکتر بهمن آقایی، ص ۳۰۶.

3 - Permanent committee on the peaceful uses of the sea bed and ocean floor beyond the limits of national

4 - Declaration of principles Governing the seabed and ocean floor and the subsoil beyond the limits of national jurisdiction

5 - The area shall be reserved exclusively for peaceful purposes without prejudice to any measures which have been or may be agreed upon in the context of international negotiations under taken in the field of disarmament and which may be applicable to broader area.

دارا باشد. به علاوه این استنتاج یعنی امکان رسیدن به توافقات جدید به وسیله مذاکرات بین‌المللی زمینه را برای امکان انعقاد چندین معاهده بین‌المللی به منظور اجرای موثر این اصل و برداشتن گامی در جهت جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در بستر دریاها، کف اقیانوس‌ها و زیر بستر دریاها را فراهم نمود. معاهده ۱۹۷۱ در زمینه منع قرارداد هرگونه سلاح‌های هسته‌ای و دیگر سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی در بستر و زیر بستر و کف اقیانوس‌ها (معاهده بستر دریا) را باید به نوعی یک توافق ناشی شده از اصل هشتم بیانیه ۱۹۷۰ تلقی نمود.^۱

علاوه بر تلاش‌هایی که در جهت حفظ دریا برای مقاصد صلح جویانه و اهداف مسالمت‌آمیز صورت پذیرفت مسائل مربوط به حقوق دریاها که می‌بایست به وسیله کنفرانس سوم حقوق دریاها مورد بررسی قرار می‌گرفت، رسماً به وسیله کمیته بستر دریاها در ۱۸ آگوست ۱۹۷۲ به تصویب رسید که مشتمل بر استفاده‌های صلح‌آمیز از فضای اقیانوس‌ها و مناطق صلح و امنیت بود^۲ و همچنین پیش‌بینی گردید تا زمانی که کنفرانس سوم حقوق دریاها در جهت اعمال مسائل مذکور ارگان یا سازمان خاصی را اختصاص دهد، این موارد توسط کلیه اعضاء مورد ملاحظه قرار گیرد. در این راستا کلیه اعضاء کنفرانس در آوریل ۱۹۷۳ سه نشست جداگانه را در جهت اندیشیدن تدابیری برای عملی شدن موضوعات و مسائلی که توسط کمیته بستر دریاها در ۱۸ آگوست ۱۹۷۲ به تصویب رسیده تشکیل دادند. در خلال این سه نشست نظرات متعدد و مختلفی ارائه شد. بعضی از اعضاء بر این باور بودند که لزوماً موارد پیش‌بینی شده توسط کمیته بستر دریاها در ۱۸ آگوست ۱۹۷۲ باید در چهارچوب کنفرانس حقوق دریاها مورد بررسی قرار گرفته و منقح گردد تا از این رهگذر مقررات دقیق و صریح‌تری در کنوانسیون حقوق دریاها گنجانیده شود.^۳ از طرف دیگر اعضاء هیئت نمایندگی پاره‌ای از کشورها از جمله: چین، اکوادور، عراق، ماداگاسکار، پاکستان، پرو، فیلیپین، رومانی و سومالی بر این اعتقاد بودند که بررسی اقداماتی در جهت محدودیت فعالیت‌های نظامی در دریا باید در دستور کار کنفرانس بعدی حقوق دریاها گنجانده و درج گردد. از طرف دیگر هیئت‌های نمایندگی کشورهای بلغارستان، کوبا، شوروی سابق و ایالات متحده آمریکا مخالف هرگونه مذاکره‌ای در این خصوص در کنفرانس سوم حقوق دریاها بوده‌اند. مع الوصف مباحث صورت پذیرفته در کمیته‌های اصلی بسیار پر بارتر از مباحثی بود که کلیه اعضاء در آن شرکت داشته و تقریباً تمام مباحثی که در کنفرانس سوم حقوق دریاها مورد بررسی واقع شده و به تصویب رسیده است را در بر دارد.^۴

1 - United nation teaty series VOL, 955, P.115

2 - Budislav. Vukas. Op, cit. P.1239

3 - Ibid. p.1236

4 - Ibid. p.1236

مالا و پس از طی این مراحل متن نهایی کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها این اصل را مورد تأیید قرار داد که منطقه^۱ باید منحصرًا برای استفاده‌های صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز بر روی تمامی کشورها مفتوح باشد (ماده ۱۴۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها). در خصوص انجام تحقیقات علمی و ایجاد تأسیسات برای فعالیت در منطقه ماده ۱۴۳ پاراگراف ۱- و ماده ۱۴۷ پاراگراف ۲- بند (د) محدودیت‌هایی قائل شده‌اند. این محدودیت‌ها به لحاظ تقاضای بسیاری از کشورها برای نظارت بر تحقیقات علمی دریایی است که در جریان کنفرانس سوم حقوق سال ۱۹۸۲ نسبت به کنفرانس ژنو ۱۹۵۸ مطرح بود. این درخواست‌ها بیشتر از ناحیه کشورهای در حال توسعه ارائه می‌شد و علت آن دو عامل اساسی بود: اول کشورهای در حال توسعه احساس می‌کردند که با به‌وجود آمدن محدوده ۲۰۰ مایل منطقه انحصاری اقتصادی^۲ آنها نخواهند توانست به طور کامل از منابع این نواحی بهره بگیرند مگر اینکه تحقیقات مربوط به آبهای مناطق مزبور را نیز تحت نظارت داشته باشند. این تحقیقات می‌توانست منجر به فعالیت‌هایی برای اکتشاف و بهره‌برداری از منابع شود. عامل دوم سوءظن موجود حداقل بین برخی دول در حال توسعه نسبت به کشتی‌های تحقیقاتی، به‌خصوص کشتی‌های متعلق به دول معظم دریایی به منظور استفاده‌های جاسوسی از آنها بود. این سوءظن در سال ۱۹۶۸ براهر حوادثی چون کشتی پوئبلو^۳ تقویت شده بود، در حادثه مزبور یک کشتی آمریکایی که ظاهراً کار تحقیقاتی می‌کرد در آب‌های کره شمالی به جرم جاسوسی توقیف شد.^۴ درخواست نظارت بیشتر بر تحقیقات علمی دریایی ابتدا با مقاومت جامعه علمی روبرو شد زیرا از نظر آنها نظارت‌هایی که از اواسط ۱۹۶۰ با ورود کنوانسیون فلات قاره^۵ به مرحله لازم الاجرائی و توسعه مناطق انحصاری ماهیگیری به‌وجود آمده بود باعث دردمر می‌شد و نگران بودند که نظارت‌های جدید باعث مخالفت با طرح‌های تحقیقاتی علمی موجود شود.

آنها استدلال می‌کردند که تحقیقات علمی به نفع عموم بشریت است و لازمه حفظ یکپارچگی اقیانوس‌ها و کاهش محدودیت مطالعه درباره آنها فارغ از مرزهای ساخته دست بشر تا سرحد امکان است. نمایندگان کشورهای پیشرفته صنعتی جهان که قسمت عمده این تحقیقات را انجام می‌دهند این مسائل را عنوان کردند. به هر حال در نهایت، درخواست‌های دول در حال توسعه برای نظارت بیشتر تحقیقات علمی تا حدود زیادی در کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو محدودتر

1 -Zone

2 -(EEZ) exclusive economic zone

3 -Pueblo

4 -Francesco francionit peactime ues of force military activities and the new law of the sea in cornell international journal winter 1983, Vol 18, p. 257

5- Continental shelf

تنظیم شوند.^۱ مهمترین مناطق مربوط به اعمال این نظارت‌ها منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره است ولی در کنوانسیون ۱۹۸۲ تغییراتی در مورد سایر مناطق دریایی، که در کنوانسیون ژنو درج شده است پیش‌بینی شده بود. در ماده ۷۸ گفته شده است که تحقیقات علمی دریایی در دریای آزاد یکی از آزادی‌های این منطقه است در مقایسه با نظام کنوانسیون‌های ژنو، بایستی یادآور شده که طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ بستر و زیربستر دریای آزاد در ماورای فلات قاره که اکنون منطقه بستر بین‌المللی دریاها محسوب می‌شود و کلیه دولت‌ها حق دارند در این منطقه به تحقیق بپردازند به شرط اینکه منحصرا برای مقاصد صلح جویانه و به طور کلی برای منافع بشریت تحقیق صورت پذیرد.^۲ (ماده ۱۴۳ بند یک کنوانسیون ۱۹۸۲). همچنین به موجب بند ۳ از ماده ۱۴۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ از دولت‌ها خواسته شده که با همکاری بین‌المللی در تحقیقات علمی دریایی در منطقه و بستر بین‌المللی دریاها به‌وسیله انتشارات موثر نتایج تحقیقات و تجزیه تحلیل‌های خود در زمان کسب آنها با استفاده از مقام بین‌الملل بستر دریاها با تشکیلات دیگر بین‌المللی ترویج کنند، به‌علاوه ماده ۲۴ بند الف کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها انجام تحقیقات علمی دریایی را منحصرا برای استفاده‌های مسالمت‌آمیز به عنوان یک اصل کلی بیان نموده و در این راستا کشورها و سازمان‌های صلاحیت‌دار بین‌المللی را ملزم به توسعه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه تحقیقات علمی دریایی برای مقاصد مسالمت‌آمیز نموده است (ماده ۲۴۲ پاراگراف الف).

اصولا آنچه که تحت عنوان تحقیقات خالص قرار می‌گیرد، تحقیقاتی است که «انحصارا برای مقاصد صلح‌آمیز و به منظور افزایش دانش علمی از محیط زیست دریایی به‌طور کلی برای منافع بشریت» انجام می‌گیرد. (ماده ۲۴۶، بند ۲ کنوانسیون ۱۹۸۲). در مورد تحقیقات خالص علمی، رضایت دولت ساحلی معمولا در شرایط عادی باید داده شود.^۳ بر مبنای یک سند کاری که به‌وسیله اکوادور، پاناما و پرو به کمیته بستر دریاها در سال ۱۹۷۳ تقدیم شد کنوانسیون سوم حقوق دریاها نیز همچنین اعلام نمود، «که دریاهای آزاد باید برای مقاصد صلح‌آمیز اختصاص یابند» (ماده ۸۸ کنوانسیون ۱۹۸۲) اختصاص پاره‌ای از مناطق دریایی یا فعالیت‌ها در دریا برای مقاصد صلح‌آمیز و به‌ویژه با مدنظر قرار دادن ماده ۸۸ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که مقدر می‌دارد، دریاهای آزاد باید برای مقاصد صلح جویانه اختصاص یابند این سوال طرح شد که آیا چنین اختصاصاتی به معنای عدم تجویز استفاده از دریای آزاد، منطقه انحصاری اقتصادی و منطقه برای فعالیت‌های نظامی است؟

۱- آقایی، بهمن، مرجع پیشین ص ۴۹۳.

۳- آقایی، بهمن، مرجع پیشین ص ۴۹۳.

و دیگر اینکه آیا تحقیقات علمی می‌تواند برای مقاصد و اغراض نظامی مورد استفاده واقع شوند یا نه؟ این مطلب تقریباً روشن بود که کشورها نمی‌توانستند ممنوعیت فعالیت‌های نظامی در دریا را به موجب کنوانسیون حقوق دریاها بپذیرند. از آنجا که در همان زمان همه دولت‌های ساحلی چنین فعالیت‌هایی را در دریا انجام داده و بسیاری از آنها دریا را به‌عنوان منطقه جنگ^۱ به حساب می‌آوردند.^۲ علیرغم پرسش مطروحه و عکس‌العمل کشورها در قبال آن کنوانسیون فی‌نفسه این مطلب را که فعالیت‌های نظامی در دریا ممنوع می‌باشد را مورد تصدیق قرار نداد، مؤید این مطلب مقررات کلی ناظر بر کشتی رانی و پرواز بر فراز دریا است که در خصوص کشتی‌های جنگی و هواپیماهای جنگی اعمال می‌شود، به‌علاوه پاراگراف ۲ از ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ پاره‌ای از فعالیت‌های کشتی‌های خارجی را که در دریای آب‌های سرزمینی^۳ از ممنوعیت برخوردار است را تحت عنوان فهرستی عنوان نموده است که عبارتند^۴ از: تمرین اسلحه، جاسوسی، تبلیغات، پرواز، فرود یا انتقال هواپیما یا ادوات نظامی، بارگیری یا تخلیه هر نوع کالا، پول یا افراد بر خلاف مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی و مهاجرتی، آلودگی عمدی و جدی، ماهیگیری، تحقیقات یا فعالیت‌های مساحی اختلال در سیستم‌های ارتباطات ساحلی یا سایر تسهیلات و تأسیسات دولت ساحلی می‌گردد. البته موارد احصاء شده در خصوص عبور کلیه کشتی‌های خارجی (اعم از کشتی‌های نظامی یا غیر نظامی) از دریای سرزمینی است که پاره‌ای از آنها دارای جنبه نظامی می‌باشند.

به هر حال مبادرت به هر یک از اقدامات مذکور در دریای سرزمینی محل آرامش، نظم عمومی یا امنیت دولت ساحلی محسوب خواهد گردید (بند ۲ از ماده ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۲)^۵ کنوانسیون تلویحا اجازه انجام چنین فعالیت‌هایی را در ماوراء محدوده دریای سرزمینی دولت ساحلی تجویز نموده و سرانجام مقررات ناظر بر حل و فصل اختلافات ناشی از فعالیت‌های نظامی در بند ۱ پاراگراف ب ماده ۲۹۸ ارائه گردید لازم به ذکر است که موارد بروز اختلاف در مسائل مربوط به حقوق دریاها بسیار زیاد است برای مثال دول مجاور و مقابل در دریاها امکان دارد در مرزهای مناطق دریایی خود توافق نداشته باشند، ممکن است دولی مدعی انجام مانور دریایی‌اش در منطقه انحصاری اقتصادی دولت دیگر شود که منکر وجود چنین حقی باشد و موارد متعدد دیگری که روشنگر دامنه گوناگون اختلافات احتمالی است که بیان آنها در این مقال

1-area warfare

2-bodislav . vukas. Op, cit. P.1238

3- territorial water

4-Geoffery Kinely the law of self defence contemporary naval operatinos and the united convention on the law of the sea in the journal of environmental law. Vol2, Numer1,1990,P.13

۵-رابین چرچیل، آلن لو، مرجع پیشین ص ۱۳۸.

نمی‌گنجد، قسمت ۱۵ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها در خصوص حل و فصل اختلافات، مواردی را پیش‌بینی نموده است که اولین مورد آن سازش است به موجب ماده ۲۷۹ کنوانسیون ۱۹۸۲ «دولت‌ها باید اختلافات خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل نمایند و همواره مختارند از روش‌هایی غیر از آنچه ماده ۲۸۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ پیش‌بینی نموده است استفاده کنند» (برای نمونه دول عضو جامعه اقتصادی اروپا موظف هستند که اختلافات خود را در مورد مسائل ماهیگیری به دیوان اروپایی دادگستری^۱ براساس پیمان جامعه اقتصادی اروپا ارجاع کنند. اینگونه تعهدات جایگزین روش‌های مندرج در کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌شود (ماده ۲۸۲) اگر طرفین اختلاف نتوانند براساس شیوه مورد توافق‌شان مسئله مورد اختلاف را حل و فصل نمایند، یکی می‌تواند از طرف دیگر بخواهد که به روش سازنده (ماده ۲۴۸) متوسل شوند. اگر این دعوت پذیرفته شود هر یک از طرفین دو نفر نماینده انتخاب می‌کنند که یکی از آنها می‌تواند تابعیت دولت مزبور را داشته باشد. با انتخاب این افراد فهرستی صورت می‌گیرد که هر یک از دول عضو حق دارند چهار نفر را برای درج نام‌شان در آن معرفی کنند. بعد از انتخاب دو نفر توسط هر یک از طرفین دعوی چهار نفری که مشخص شده‌اند نفر پنجم را به عنوان رئیس هیئت برمی‌گزینند، هیئت مزبور یک سال فرصت دارد که به تماس با طرفین بپردازد و در گزارش خود توصیه‌ای مناسب را ارائه کند. اگر توصیه‌های مندرج در گزارش مزبور پذیرفته و اجرا شد، مسئله تمام شده است اما در غیر این صورت روش توسل به سازش را می‌توان خاتمه یافته تلقی کرد.

البته در خصوص حل و فصل اجباری اختلافات استثنائی وجود دارد که مورد اختلافات نظامی یکی از این موارد استثنائی است که به موقع به طرح آن خواهیم پرداخت. در اجرای ماده (۲۸۶) دولت‌ها می‌توانند به هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ و یا در موعد دیگری یک یا چند مرجع زیر را برای حل اختلافات بپذیرند.^۲

الف) دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (ب) دیوان بین‌المللی دادگستری (ج) دیوان داوری (د) دیوان داوری ویژه که هر کدام تابع شرایط خاصی است که در بحث فعلی نمی‌گنجد. همانطور که در خصوص حل و فصل اجباری اختلافات ذکر گردید این نوع حل و فصل اختلافات در رابطه با سه دسته از اختلافات دارای استثناء اختیاری است، این سه دسته از اختلافات عبارتند از: اختلافات مربوط به فعالیت‌های نظامی.^۳ اختلافات مربوط به مواردی که شورای امنیت سازمان ملل متحد مشغول انجام وظایف خود است و نوع سوم نیز مربوط به تحدید حدود می‌باشد.

1- European court of justice

2- Ibid. P. 565

3- Francesco Francionit op

در این خصوص اعضای کنوانسیون ۱۹۸۲ می‌توانند به هنگام امضای کنوانسیون و یا بعد از آن اعلام کنند که یکی یا همه روش‌های مندرج در ماده ۲۸۷ را درباره یک نوع یا کلیه سه‌گانه اختلافات می‌پذیرند (ماده ۲۸۹). دو نوع اول این اختلافات یعنی اختلافات مربوط به فعالیت‌های نظامی و اختلافات مربوط به مواردی که شورای امنیت و سازمان ملل متحد مشغول انجام وظایف خود است، به‌منظور احترام به حق حاکمیت دولت‌ها و نیز روش‌های حل اختلافات بین‌المللی جزء استنادهای اختیاری قرار گرفته‌اند. در این‌گونه موارد دولت‌ها صرفاً دارای تعهدات عمومی برای حصول راه حل‌های مسالمت‌آمیز جهت حل اختلافات مورد توافق طرفین هستند.^۱

نکته مهمی که جای ابهام و سوالات متعدد را فراهم می‌سازد این است که آیا روش متخذه ماده ۲۹۸ کنوانسیون حقوق دریاهای در مورد استثنای اختیاری در خصوص اختلافات نظامی ایده حفظ دریاهای را برای مقاصد صلح جویانه و اهداف مسالمت‌آمیز با خطر مواجه نمی‌سازد؟ و آیا این بدین معناست که تمام توجهات کنوانسیون حقوق دریاهای نسبت به فعالیت‌های نظامی به منظور حفظ دریاهای برای مقاصد صلح‌آمیز و اهداف مسالمت‌آمیز جویانه فعالیت‌های پوچ و بی‌بهره بوده و هیچ اثر عملی در رفتار کشورها نداشته و نخواهد داشت؟! هرچند کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای تعریفی از مقاصد صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز به‌دست نمی‌دهد لیکن ماده ۳۰۱ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای^۲ «کشورهای متعاقد در اعمال و اجرای وظایف خود به‌موجب این کنوانسیون باید از هرگونه رفتار یا استفاده از زور بر علیه تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر کشوری خودداری نموده و همچنین از هرگونه روشی که متناقض با اصول حقوق بین‌الملل مندرج در منشور ملل متحد است خودداری نماید». به‌نظر نگارنده دو نتیجه بسیار مهم این مقرر (ماده ۳۰۱) حاصل شده که در خصوص تمامی مناطق و همچنین در مورد همه فعالیت‌های دریایی ساری و جاری است: نتیجه اول اینکه: حفظ دریاهای برای مقاصد صلح‌جویانه و اغراض مسالمت‌آمیز از طرفی مبین اجرای دقیق و صریح حقوق دریاهای بر مبنای پاره‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل عام و از طرف دیگر اجرای اصول مندرج در منشور ملل متحد (به‌ویژه ماده ۲ پاراگراف ۴ منشور ملل متحد)^۳ ثانیاً: اصل مذکور هرگونه فعالیت نظامی در دریا را مادامی که این فعالیت مغایر با اصول مذکور در ماده

۱-رابین چرچیل، آلن‌لو، مرجع پیشین ص ۵۷۱

2 - In exercising their rights and Performing their duties under this convention states Parties shall refrain from any threat or use of force against the territorial integrity or Political independence of any state or in any other manner inconsistent with the principles of intercatational law embodied in the charter of united nation.

3 -All members shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity of political independence of any state, or in any other manner in consistent with the purposes of the united nations

۳۰۱ نباشد را ممنوع نکرده است، جدای از این که برداشت کلی در خصوص استفاده‌های نظامی از دریا می‌توان قائل به سه دسته از محدودیت‌ها گردید.

اولاً: مقررات موجود در خود کنوانسیون حقوق دریاها که این مقرره‌ها محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های ویژه‌ای را در مورد استفاده‌های نظامی از دریا ارائه می‌کنند (مثل مقررات مربوط به عبور بی‌ضرر از دریای سرزمینی). ثانیاً: قراردادهای و توافقات بین‌المللی که می‌تواند در استفاده نظامی از دریا محدودیت ایجاد نموده و نمونه‌های آن کم نیست. (مثل بیانیه اصول ۱۹۷۰ درخصوص بستر و زیر بستر دریا که به موجب معاهده بستر دریا در سال ۱۹۷۱ مورد تایید واقع گردید).^۱ ثالثاً: پاره‌ای از این محدودیت‌ها ممکن است بر مبنای حقوق بین‌الملل عرفی تأسیس و ایجاد گردند (مثل ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای در دریاهای آزاد) پس از بیان مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که اصولاً دریاها برای استفاده نظامی مورد منع واقع نگردیده‌اند مگر اینکه این استفاده مغایر با اصول حقوق بین‌الملل عام و اصول مندرج در منشور ملل متحد باشد.



Following the formation and approval of the Principle of preserving some of the zones for exclusively

Peaceful purposes in International law, new thoughts to create these Zones as Peaceful and secured for maritime Zones were suggested. The main aim for This proposal was a tendency to preserve and secure the seabed and subsoil situated beyond the limit of nationag jurisdiction. These Zones are exclusively used for exploitation and peaceful purposes.

Therefore, this research examines the said plans Moreover the solution put forward in the 1982 Conventions on the law of the seas is dealt with.

Key words: Peaceful purposes the 1982 Conventions on the law of the of the sea maritime peace zones- Aruaid pardo.

